

کارل گوستاو یونگ



انسان و سمبول هایش



ترجمه‌ی دکتر محمود سلطانیه

www.ketab.ir



سرشناسه:	Carl Gustav, Jung
عنوان و پدیدآور:	انسان و سمبول هایش / کارل گوستاو یونگ، ترجمه: محمود سلطانیه
مشخصات نشر:	جامی - ۱۳۷۷
مشخصات ظاهری:	۴۹۶ ص.
شابک:	978-964-5620-19-4
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
موضوع:	سمبولیسم.
موضوع:	روانشناسی.
شناسه افزوده:	سلطانیه، محمود، ۱۳۲۶ - مترجم.
رده‌بندی کنگره:	۱۳۷۷ ب۹ ی۹ / BF۴۵۸
رده‌بندی دیویی:	۱۵۰/۱۴۸
شماره کتابخانه ملی:	۱۵۱۳۵-۷۷ م



خیابان دانشگاه، چهارراه وحید نظری، شماره ۵۲

تلفن: ۶۶۴۰۰۲۲۳ - ۶۶۴۶۸۸۵۱

www.Jamipub.ir info@jamipub.ir

انسان و سمبول هایش

کارل گوستاو یونگ

ترجمه: محمود سلطانیه

چاپ سیزدهم: ۱۴۰۲

شمارگان: ۳۰۰ جلد

چاپ: دیبا

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۲۰-۱۹-۴
 ISBN: 978 - 964 - 5620 - 19 - 4

۱۰۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

پیشگفتار

۵

۳۵

۴۶

۶۹

۷۵

۹۴

۱۱۹

۱۳۴

۱۴۶

- ۱- کند و کاو در ناخود آگاه گذشته و آینده در ناخود آگاه کارکرد خواب‌ها تحلیل خواب‌ها مسأله ویژگی افراد کهن الگو در نماد خواب روح آدمی نقش نمادها «سمبولها» درمان از هم‌گیختگی شخصیت

۲- اساطیر باستانی و انسان امروز

۱۵۶

۱۶۲

۱۹۲

۲۰۱

۲۰۹

۲۲۵

- نمادهای جاودانه قهرمانان و کسانی که آن‌ها رامی‌سازند کهن الگوی آیین آموزش اسرار مذهبی زشت و زیبا ارفه و پسر انسان نمادهای تعالی

۳- فرایند فردیت

تکامل روانی

۲۴۰

نخستین برخورد با ناخودآگاه

۲۵۱

کشف سایه

۲۵۷

عنصر مادینه یا عنصر زنانه

۲۷۰

عنصر نرینه یا عنصر مردانه

۲۸۵

«خود»، نمادهای تمامیت

۲۹۵

ارتباط با خود

۳۱۸

جنبه‌های اجتماعی خود

۳۲۸

۴- نمادگرایی در هنرهای تجسمی

نمادهای مقدس: سنگ و حیوان

۳۵۲

۳۶۵

نماد دایره

۳۸۰

نقاشی نوین به منزله نماد

۳۸۵

روح پنهان اشیاء

۴۰۱

گریز از واقعیت

۴۱۴

وحدت اضداد

۵- وجود نماد در درون تجزیه و تحلیل فردی

آغاز تحلیل

۴۲۳

خواب نخستین

۴۲۸

ترس از ناخودآگاه

۴۳۶

قدیس و روسپی

۴۴۳

پیشرفت تدریجی در تحلیل‌های روانکاو

۴۴۹

خواب غیبگویی

۴۵۳

رویاریویی با آنچه غیر عقلانی است

۴۶۴

آخرین خواب

۴۷۱

علم و ناخودآگاه

۴۷۹

بنام خداوند جان و خرد

«کیمیاگر در پی راز جهان است
و روانشناس در جستجوی راز دل.»
(گاستون باشلار G. Bachelard)

توها شاعران می توانند سخن مرا دریابند...

زوریخ، اواخر سالهای ۲۰: امروز هوا خوب است. آفتاب ملایمی قفسه‌های کتابخانه دکتر یونگ را نوازش می‌کند. مدتی است که بیمار دکتر در رخت‌ساز نشسته و ظاهراً حرفی برای گفتن ندارد. گاهگاهی دکتر یونگ با حسرت نگاهی به طرف باغچه حیاط می‌اندازد. بیرون هوا لطیف و دل‌انگیز است. دکتر یونگ تأملی کرده و سپس رو به بیمار می‌کند و می‌پرسد: «خانم، ممکن است آخرین خوابی را که دیدید برای من تعریف کنید؟». بیمار فکری می‌کند و بالاخره به سخن می‌آید: «بله. آقای دکتر دیشب خواب عجیبی دیدم... خواب دیدم، خواب دیدم که یک سوسک طلایی... در همان لحظه یونگ صدایی از پشت پنجره می‌شنود. گویی کسی دارد در می‌زند. پس از اجازه گرفتن از بیمارش، از جای بلند می‌شود و پنجره را باز می‌کند. همراه هوای لطیف، یک سوسک طلایی از نوع اوراتا^(۱) وارد دفتر می‌شود. دکتر یونگ و خانم تحت معالجه حیرت‌زده به این صحنه می‌نگرند...

پاریس، اواخر سالهای ۲۰: امروز هوا خوب است. آندره برتون^(۲)، شاعر سورآلیست همراه زنی اسرارآمیز به نام نادژا^(۳) مشغول قدم‌زدن است. نزدیک چهارراهی می‌رسند، نادژا

نگاهی به خانه‌های اطراف خیابان می‌اندازد و می‌گوید: «آن پنجره را می‌بینی؟ سیاه است مثل همه پنجره‌ها. حالا نگاه کن تا یک دقیقه دیگر روشن می‌شود و قرمز». برتون دقیقه‌ای به آن سمت خیره می‌شود و ناگهان پنجره روشن و قرمز می‌شود! پرده‌های پنجره قرمزند. برتون با تعجب به این صحنه می‌نگرد...

آن حادثه زوربخ که برای شما نقل کردم تخیلی نیست، بلکه حقیقی است. باید افزود که پس از این واقعه غریب بود که روانشناس سوئیسی، کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵-۱۹۶۱) مقوله «هم‌زمانی»^(۱) را تدوین کرد.

بنابر فرضیه تقارن زمانی، بین جهان عینی و روح انسان ارتباط وجود دارد. بدین معنی که هر کدام دیگری را تأیید می‌کند. در لحظات شور و هیجان ویژه، وقتی وضعیت روانی انسان شدیداً ملتهب می‌شود (هنگام عشق، نفرت، همت، تمرکز، آفرینش، شوریدگی...) روح می‌تواند واقعیت خارجی را تغییر دهد. بنظر یونگ پدیدار شدن آن سوسک طلایی داخل دفتر در چهارچوب «علم» و نظریه علیت قابل درک نیست. باید به یک منطق غیرعلی^(۲) متوسل شد. ناخود آگاه انسان واقعه‌هایی را با وضعیت روان خود مربوط می‌سازد، بطوری که رویدادی که «تصادفی» یا «مقارن» به نظر می‌رسد، حادثه‌ای حائز معنی^(۳) می‌گردد. در واقع، مقوله «هم‌زمانی» یونگ به پیوند روح و ماده، تأثیر متقابل جهت و عینیت اشاره دارد و فکر و عمل انسان را حائز معنی می‌پندارد.

آن حادثه پاریس هم قصه نیست بلکه رویدادی است حقیقی، هرچند عجیب. پس از این اتفاق و مشاهده حوادث غیرمنتظره دیگر بود که آندره برتون، لویی آراگن و سورآلیست‌های فرانسه مقوله «تصادف اجباری» (یا توفیق اجباری^(۴)) را تدوین کردند. بنابراین مفهوم انسان بیدار و بینا (مخصوصاً شاعر^(۵)) در زندگی روزمره خود، گاهی با وقایع ویژه‌ای روبه‌رو می‌شود که هم بیانگر روند عینی و هم نشانگر سیر آرمانی ذهن اوست. به زبان دیگر، تطابق‌ها و «توفیق‌های» غریبی صورت می‌گیرد که خرد ما قادر نیست پاسخی به آنان بدهد و به نظر می‌رسد که نیروهایی نامرئی و منطقی جادویی و نه علی بر حوادث روزگار فرمانروایی می‌کنند. فرضیه «تصادف اجباری» سورآلیست‌ها بر پیوند، عینیت دنیا و ذهینت خلاق انسان استوار است. بدین معنی که قوه تخیل فرد خلاق می‌تواند به‌عین دربیابد. بر اثر برونفکنی

1. Synchronicité 2. logique a-causale 3. coïncidence significative 4. hasard objectif
5. éveillé, voyant

projection میل و شوق *désir* شدید انسان در اشیاء و پدیده‌های موجود، اتفاقی غیر منتظره، غیر معمول به وجود می‌آید. گویی که ناخود آگاه در «جنگل نشانه‌ها»^(۱) جهان ارتباطات پنهانی را که عقل نمی‌بیند در طی جریان و ترکیب عینی-ذهنی و ویژه‌ای خبر و آشکار می‌کند. این بینایی مختص آفرینشگران و اندیشمندان خلاق است. آنان همبستگی‌ها^(۲) را می‌بینند، «حادثه» آفرینند. یعنی از طریق کشف و شهود یا استعداد ذهن خود به جهان عینی یک واقعیت حائز معنی می‌بخشند. باید افزود که در نظر سورآلیست‌ها، این جویندگان واقعیت برتر^(۳) عوامل تعیین‌کننده در شکل گرفتن «تصادف اجباری» اصولاً عشق، دوستی، همفکری و همدلی می‌باشند.

بدین ترتیب، مابین «هم‌زمانی» یونگ و مقوله «تصادف اجباری» سورآلیست‌ها تشابهی فاحش است. اما می‌توان به قرابت‌های فکری و همدلی‌های دیگری که بین آنان وجود دارد اشاره کرد:

۱- هم‌یونگ، هم‌سورآلیست‌ها با علم شیفتگی^(۴) و خردزدگی^(۵) مخالف بودند، یعنی آنان از خرد، منطق و علم بتنهی ساختند و ارزش و حدودی را برای منطق انسان قائل بودند. در ضمن باید گفت که خردستیزی آنان از لحاظی، ریشه در آثار نویسندگان و اندیشمندان بزرگ پیشین دارد: مثلاً، از طرفی می‌دانیم که یونگ به نوشته‌های نیچه^(۶)، شوپنهاور^(۷)، گوته^(۸)، اکارت^(۹) و پاراسلز^(۱۰) توجه به‌سزائی داشته و تحت تأثیر متون غنوسیه، کیمیاگری یا عرفانی شرق بوده است. از طرف دیگر، پژوهش‌های اخیر نشان داده که افکار نیچه و گوته یا نوشته‌های عرفان و کیمیاگری و حتی جلسات احضار روح در شکل‌گیری نهضت سورآلیست مؤثر بوده است.^(۱۱)

۲- علی‌رغم ستایشی که از دستاوردهای فروید کردند، چه یونگ، چه پرچمداران سورآلیست با روانکاوی فروید همراه نشدند و اساساً این عدم همگامی از جهانبینی خردستیز آنان سرچشمه می‌گیرد. اگر به مکاتبات فروید نگاهیم اندازیم متوجه می‌شویم که خود او از ساختار «اعتقادی» غیرفرویدی یونگ آگاه بوده است: «دوست من... ملاحظه یونگ را بکنید... شما چون قرابت نزدی (منظور فروید «نژاد» یهود است) و فکری (مقصود او

1. forêt des signes 2. correspondances 3. surréel 4. sùentisme 5. rationalisme
6. Nietzsche 7. Schopenhauer 8. Goethe 9. Eckart 10. Paracelse

خردگرایی و بی‌دینی است) با من دارید راحت تر افکار مرا می‌پذیرید... او مسیحی است و...» (نامه فروید به کارل آبراهام، ۳ مه ۱۹۰۸). همچنین اگر نوشته‌های آندره برتون و لوئی آراگن (که هر دو دانشجوی روانپزشکی بودند و در بخش روانی‌های بیمارستانی در پاریس مدتی مشغول کار بودند) را بررسی کنیم متوجه می‌شویم که بنیانگزاران سورآلیسم از همان سال‌های بیست (ملاقات برتون با فروید در ۱۹۲۱ است) به فرضیه‌ها و شخصیت «خردزده» فروید تردید کرده بودند و بینش تک‌بعدی او را (از جنسیت، رویا و ضمیر ناخودآگاه) نمی‌پذیرفتند.^(۱)

۳- توجه به شرق و فرهنگ‌های غیراروپایی عامل مشترک دیگر یونگ و سورآلیست‌ها است: مثلاً می‌دانیم که یونگ تحقیقات و مسافرت‌های مختلفی به خارج اروپا (آسیا، آمریکا، آفریقا) کرده و پس از این پژوهش‌ها بود (بویژه بعد از سال ۱۹۱۸) که در بینش او نوعی غرب‌زدائی^(۲) به‌خوبی آشکار می‌شود. «علم بهترین ابزار ذهن غربی است و بوسیله آن بیشتر درها باز می‌شوند. اما شرق به ما چیزی وسیعتر، عمیقتر و مهمتری را آموخته که عبارت است از درک حقایق بوسیله تجربه زندگی»^(۳). می‌توان اضافه کرد که علاقه یونگ به شرق و اساطیرش چنان شدید بود که تماماً در خاورشناسان و ایرانشناسان کاملاً آشنا بود (مثلاً هانری کربن ایرانشناس بزرگ از مریدانش بود). این گرایش به شرق و فرهنگ‌های غیراروپائی در نهضت سورآلیسم مشاهده می‌شود و دلایل آن گوناگونی دارد: بعد از جنگ اول جهانی اکثر جوانان اروپا ناراضی بودند و برداشت بسیار منفی از غرب (مظهر استمگري، استعمار، استثمار) داشتند و روی به جهان و دیدگاه‌های غیراروپائی کردند. «منطق» و «علم» غرب پاسخ خواسته‌های معنوی و وجودی آنان را نمی‌داد و بینش‌نمای خاورزمین توجه آنان را جلب کرد. مثلاً هم برتون، هم آراگن به آثار شرقی و شعرای ایران زمین علاقمند می‌شوند و اندیشه‌های جوانی آنان با تصاویر سرزمین‌های دور و ادبیات چینی و اسلامی غنی‌تر می‌شود.

۴- در عرصه نفوذ فکری و تأثیر اجتماعی می‌توان بین یونگ و نهضت سورآلیسم نکات مشترکی یافت: اولاً و برخلاف عقاید فروید، اندیشه یونگ بیشتر در محافل و کشورهای مورد توجه قرار گرفت که سلطه خردگرایی و علم‌پرستی کمتر بود (مانند آمریکا و جوامع

۱- ر.ک. به کتاب‌های:

Le paysan de Paris 1924, Les vases communicants 1932, Nadja 1928, Manifeste 1924.

2. désoccidentalisation 3. L'homme à la découverte

غیراروپائی)؛ مثلاً در فرانسه عقاید فروید از لحاظی بیشتر مورد توجه قرار گرفت چون با دیدگاه خردگرا هموطنان دکارت^(۱) سازگارتر بود. با این حال، بزرگانی چون گاستون باشلار^(۲) و هنری کربن^(۳) نظریات یونگ را به فرویدیسم ترجیح دادند. به نظر من، حتی میشل فوکو^(۴) که در جوانی (می خواست روانکاو شود و) تحت تأثیر فروید و لاکان^(۵) بود، پس از مطالعه هایدگر، نیچه، مرلوپونتی و بررسی تجربه جنون از فرودیسم فاصله گرفت. با اینکه او به ندرت به نظریات یونگ اشاره داشته^(۶)، اما در آخرین پژوهش خود در مورد تاریخ جنسیت^(۷) فوکو کاملاً فرویدزدائی می کند و تفکیکی که مابین هنر عشق ورزی^(۸) جوامع شرقی (چین، ژاپن، جهان اسلامی) و علم جنسی^(۹) قائل می شود یادآور برداشت های یونگ است. می توان گفت که اندیشه دوران پختگی فوکو فروید و خردگرایی را کنار گذاشته و به پیچیدگی سرزمین عظیم ناآگاهی پی برده است. در ضمن روش ساختاری «باستانشناسی دانش»^(۱۰) فوکو (که از پژوهش های دومزیل^(۱۱) و باشلار^(۱۲) به وام گرفته) با شیوه «باستانشناسی روان» یونگ بی شبهه نیست.

همچنین، افکار و آثار یونگ است ها در کشورها (آمریکا، آمریکای جنوبی) و محافلی (ادبی، هنری) اساساً رونق گرفت که «خرد شورانگیز»^(۱۳) (اصطلاح شاعر فرانسوی آپولینر)^(۱۴) را بر «خرد خشک» منطبق ترجیح می دادند. زیرا «خرد شورانگیز» همان خرد دل و منبع آفرینش و شعر است. در چنین اقلیمی عنصر مادینه^(۱۵) اهل عنصر نریه^(۱۶) روح است و آنجا فقط همدل می پذیرند و نااهل نمی خواهند...

آری، دکتر یونگ هم پیرو و طالب خرد دل بود و به نقاشان (پیکاسو، ماگريت و دالی) و نویسندگان و شاعران (گوته، نیچه، جویس)^(۱۷) عشق می ورزید. در دیداری (۱۹۵۹) با میگوئل سرانو (نویسنده اهل شیلی) به او گفت: تنها شاعران می توانند سخن مرا دریابند...

دکتر حامد فولادوند

(۱۳ آبان ۱۳۷۶)

1. Descartes 2. G. Bachelard 3. H. Corbin 4. M. Foucault ۵ = Lacan

۶- ر.ک. به سمینار نیچه 1964 Royaumont

7. Histoire de la sexualité 8. ars erotica 9. science sexualis 10. archéologie du savoir

11. Dumézil 12. Bachelard 13. raison ardente 14. Apollinaire 15. anima

16. animus 17. Joyce